

مأموران  
امریکایی  
در ایران



# مأموران امریکایی در ایران

گردآوری و ترجمه:  
علی موسوی خلخالی  
طلاتسلیمی

مصاحبه‌های  
وزارت امور خارجه  
امریکا با دیپلمات‌ها  
و کارمندانش در ایران  
(۱۳۰۸-۱۳۴۰)



سرشناسه: موسوی خلخالی، سیدعلی، ۱۳۵۷-  
عنوان و نام پدیدآور: مأموران امریکایی در ایران (مصاحبه‌های وزارت امور خارجهٔ امریکا با دیپلمات‌ها  
و کارمندانش در ایران (۱۳۴۰-۱۳۰۸)) / گردآوری و ترجمهٔ علی موسوی خلخالی -

طلاتسلیمی

مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۲  
مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص  
شابک: ۹۴۵-۹۳۵-۲۵۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر از منابع و مقالات گوناگون گردآوری و ترجمه شده است.

موضوع: ایالات متحده، وزارت امور خارجه -- کارمندان و کارکنان -- مصاحبه‌ها/  
سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های آمریکا -- ایران/ دیپلمات‌ها -- ایالات متحده

-- مصاحبه‌ها/ ایران -- روابط خارجی -- ایالات متحده/ ایالات متحده --

روابط خارجی -- ایران

شناسه افزوده: تسلیمی، طلا، ۱۳۶۵-

رده‌بندی کنگره: DSR۱۵۰۲/۳

رده‌بندی دیویی: ۳۲۷/۵۵۰۷۳

شمارهٔ کتابشناسی ملی: ۹۳۷۸۳۲۸



## ■ مأموران امریکایی در ایران

گردآوری و ترجمهٔ علی موسوی خلخالی - طلای تسلیمی

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۳، ۵۰۰ نسخه

همهٔ حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.

هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازهٔ کتبی از ناشر است.

### بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقهٔ سوم، تلفن، ۰۵۶۶۴۷۷۴

parsehbookpublication@gmail.com

@ketabeparseh

## فهرست

۷	مقدمه مترجمان
۱۱	هنری اس. ویلارد
۲۱	ریموند ای. هتر
۲۵	ای. دیوید فریتزلن
۳۱	کلیتون ال. اولسون
۳۵	جان ایچ. استاتسمن
۱۳۱	دیل دی. کلارک
۱۴۳	لویس هفاکر
۱۵۱	کارل اف. نوردن
۱۵۵	هنری بایرود
۱۶۱	ال. بروس لینگن
۱۸۷	کریستین ای. چپمن
۱۹۵	راونتری
۲۰۷	دونالد اس. براون
۲۱۳	فردریک دابلیو. فلات
۲۱۹	رابرت ال. فانست

۶ ■ مأموران امریکایی در ایران

۲۳۱	دیوید نال
۲۴۷	ویکتور اچ. اسکینز
۲۶۱	کترین کلارک - بورن
۲۷۱	مورات ویلیامز
۲۸۱	جورج ام. بنسکی، پسر
۲۸۹	رابرت بائور
۲۹۱	هارولد جی. جوزف
۳۰۳	نلسون سی. لدسکی
۳۰۹	برنت اندرسون
۳۱۵	ایزابل کامینگ
۳۲۳	فریزر ویلکینز
۳۳۱	فرانکلین جی. کراوفورد
۳۴۳	پیتر بی. لُرد
۳۵۳	نمایه

## مقدمه مترجمان

روابط ایران و امریکا یکی از پرچالش‌ترین و پرفراز و نشیب‌ترین روابط دو جانبه در جهان بوده است؛ دو کشوری که در سطح منطقه‌ای و جهانی از اهمیت بالایی برخوردارند و در معادلات بین‌المللی ثقل مؤثری دارند، اما بیش از چهل سال است که روابط حسنه ندارند و با فهرست بلندبالایی از اختلافات دست به گریبان‌اند.

در ابتدای قرن گذشته میلادی، ایالات متحد انزوای دیپلماتیک پیش گرفته بود و در دوره‌ای که کشورهای مطرح اروپایی، در رأس آن‌ها بریتانیا، فرانسه و آلمان به همراه روسیه، در عرصه بین‌المللی یکه‌تازی می‌کردند، اثری از نقش‌آفرینی ایالات متحد نبود. بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم بود که نقش ایالات متحد در عرصه جهانی پررنگ شد و تعریفی تازه یافت و تا امروز هم ادامه دارد. حضور امریکا در مناسبات بین‌المللی به واسطه ظرفیت‌هایی که داشت، بعد از جنگ جهانی دوم به شدت افزایش یافت و سبب شد با آغاز جنگ سرد، رهبر بلوک غرب در برابر بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی شود. دوری جغرافیایی از اروپا و آسیا و

واقع شدن در آن سوی آب‌های اقیانوس‌های اطلس و آرام در آن سوی کرهٔ خاکی، برخورداری از ثروت‌های کلان طبیعی و مالی و قدرت برتر نظامی نسبت به کل اروپای ویران شده از دو جنگ خانمانسوز، سبب شد امریکا در عرصهٔ بین‌المللی جایگاهی استثنایی بیابد. فروپاشی بلوک شرق و سقوط امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی در دههٔ آخر قرن گذشته سبب شد تا ایالات متحد به قدرت برتر جهانی در عرصه‌ای بی‌رقیب تبدیل شود و کشورهای دیگر را، به‌ویژه در جهان غرب، به زیر سایهٔ خود بکشانند و امکانات آن‌ها را در خدمت منافع خود به کار گیرد که تاکنون هم ادامه دارد.

سنگ‌بنای روابط ایران و امریکا در دورهٔ رضاشاه و در سال‌های نخست قرن چهاردهم شمسی گذاشته شده است. در دورهٔ رضاشاه هنوز اثری از نقش‌آفرینی امریکا در مناسبات بین‌المللی نبود؛ طبیعتاً در این برهه اثری از حضور ایالات متحد در مناسبات بین‌المللی ایران هم نبود. نخستین نوع رسمی روابط دیپلماتیک ایران و امریکا در دورهٔ رضاشاه در یک ساختمان کوچک آغاز شد، و در دورهٔ محمدرضا پهلوی به‌شدت اوج گرفت، اما در سال ۱۳۵۷ بعد از انقلاب اسلامی دچار وقفهٔ سختی شد و سال ۱۳۵۹ را نیز می‌توان نقطهٔ پایان روابط دیپلماتیک مستقیم ایران و امریکا دانست. از سال ۱۳۵۹ با وجود اینکه روابط مستقیم بین دو کشور نبوده، دو طرف با تعیین حافظ منافع به‌طور غیرمستقیم به روابط خود ادامه داده‌اند که البته بیشتر جنبهٔ تخصصی داشته و در پرونده‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی نمود یافته است.

آنچه در این کتاب می‌خوانید مجموعه مصاحبه‌هایی است که بخش تاریخ شفاهی وزارت امور خارجهٔ امریکا با همهٔ دست‌اندرکاران امور ایران، اعم از سفرا، دیپلمات‌ها، کنسول‌ها، دبیرهای سیاسی و فرهنگی سفارتخانه‌ها، مسئولان امنیتی و افراد مسئول در نهادهای مربوطه انجام داده و در بخش



آرشیو وزارت امور خارجه آن کشور در دسترس است. کتاب حاضر، جلد اول این گفتگوهاست که امیدواریم بتوانیم در آینده مجلدات دیگر آن را هم ترجمه و منتشر کنیم.

سخنان این افراد به نوعی تاریخ روابط ایران و آمریکا را از نگاه امریکایی‌ها تعریف می‌کند. نشان می‌دهد امریکایی‌ها چه دیدگاهی نسبت به ایران داشتند، با پرونده‌های مختلف از جمله کودتای مرداد ۱۳۳۲ علیه محمد مصدق، اصلاحات ارضی شاه موسوم به انقلاب سفید، رابطه با شاه، پرونده‌های تسلیحاتی، همکاری‌های اقتصادی و امنیتی و غیره چگونه در امور کشور دخالت یا با آن برخورد و تعامل داشتند. این مصاحبه‌ها از نخستین روز تشکیل سفارتخانه آمریکا در ایران در سال ۱۹۲۹ آغاز می‌شود و تا سال ۲۰۰۰ ادامه دارد (جلد حاضر تمام این دوره را دربر نمی‌گیرد). خواندن این مصاحبه‌ها می‌تواند افق تازه‌ای پیش روی خوانندگان ایرانی بگذارد تا دریابند امریکایی‌ها و دیپلمات‌هایشان و در مجموع دست‌اندرکاران امریکایی امور ایران در دولت‌های مختلف، به کشور و مردم ایران چه نگاهی داشتند یا با چه پیشفرض و نگرشی به کشورمان وارد می‌شدند و بعد از آنکه از ایران می‌رفتند، چه نگاهی داشتند و چه تجربه‌ای کسب کرده بودند.

ما مترجمان این مصاحبه‌ها همه تلاش خود را کرده‌ایم که ترجمه‌ای خوب و روان در اختیار خوانندگان محترم بگذاریم، اما امکان دارد اشتباهاتی سهواً سر زده باشد که قطعاً تقصیر آن متوجه ماست و خوانندگان محترم ما را بابت این خطاها خواهند بخشید. در بخش‌هایی نیز جملات آن افراد تکرار مکررات هستند یا شیوه نگارشی خارج از عرف است که هدف بر این بوده که سبک و سیاق مصاحبه‌ها حفظ شود.

علی موسوی خلخالی - طلا تسلیمی



هنری اس. ویلارد

نایب کنسول، تهران (۱۹۳۱ - ۱۹۲۹/۱۳۱۰ - ۱۳۰۸ ش)

میز ایران در وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.

(۱۹۳۵ - ۱۹۳۱/۱۳۱۴ - ۱۳۱۰ ش)

سفیر هنری اس. ویلارد<sup>۱</sup> در سال ۱۹۰۰ در نیویورک متولد شد. وی در جنگ جهانی اول در ایتالیا راننده آمبولانس بود. ۱۹۲۱ مدرک لیسانس خود را از دانشگاه هاروارد دریافت کرد و پس از آن نیز در مقطع فوق لیسانس در دانشکده مگدالن دانشگاه آکسفورد تحصیل کرد. همکاری وی با خدمات خارجی و دیپلماتیک مسئولیت‌هایی در ایران، برزیل، ونزوئلا، نروژ، لیبی، و سنگال را شامل می‌شود. این مصاحبه را دیمیتری ویلارد<sup>۲</sup>، پسر سفیر ویلارد، در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۱ گرفته است.

اولین مأموریت شما در تهران بود، در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ ش؛ آن زمانی که ایران

«پرشیا» نامیده می‌شد.<sup>۳</sup> اوضاع «پرشیا» در آن روزها چگونه بود؟

---

1. Henry S. Villard

2. Dimitri Villard

۳. یونانیان از زمان هخامنشیان ایران را سرزمین پارس می‌نامیدند و در دیگر زبان‌های اروپایی نیز تلفظ‌های مشابه همین واژه رایج شده بود. رضا شاه در سال ۱۳۱۳ به دولت‌های خارجی اعلام کرد از آن زمان به بعد فقط از نام ایران استفاده شود. - م.

راستش اوضاع بسیار جالبی بود. رضاشاه پهلوی زمامدار حکومت بود. یک افسر قزاق که در سال ۱۹۲۴ (۱۳۰۴ ش) شاهنشاهی قاجار را سرنگون کرده و کنترل دولت را در دست گرفته بود. او، نخست‌وزیر جنگ شد و در آخر هم خود را شاه خواند و تاج‌گذاری کرد. می‌خواست «پرشیا» را از کشوری با ساختار قدیمی به کشوری مدرن و امروزی تبدیل کند. در واقع، او بود که پای «پرشیا» را به قرن بیستم باز کرد و با اعتراض‌های همه‌جانبه روحانیان مواجه شد که در آن زمان قدرت زیادی داشتند و امروز قدرت آن‌ها بیشتر هم شده است.

من به‌عنوان نایب کنسول و مسئول کنسولگری در تهران منصوب شدم و کار خود را در سپتامبر ۱۹۲۹ آغاز کردم. رابرت ایمبری<sup>۱</sup> یکی از دیپلمات‌های پیش از من، در خیابان‌های تهران به قتل رسیده بود و مردم هنوز در مورد پرونده ایمبری صحبت می‌کردند. شرایط برای شروع زندگی در «پرشیا» چندان ترغیب‌کننده نبود.

#### مسئولیت‌های شما [در تهران] چه بود؟

در سمت مسئول امور کنسولی، که کاملاً از نمایندگی<sup>۲</sup> جدا بود، مسئولیت‌های من بیشتر (صدور) روادید برای سفر به آمریکا، صدور گذرنامه، محافظت از شهروندان امریکایی، خدمات دفاتر اسناد رسمی، ارتقای تجارت، صدور فاکتور برای صادرات «پرشیا» به آمریکا، و موارد مشابه را شامل می‌شد.

#### در آن زمان، بیشترین دغدغه‌های امریکا در «پرشیا» چه بود؟

تا جایی که به امریکا مربوط می‌شد، دغدغه اصلی ساخت نخستین خط آهن

1. Robert Imbrie

2. legation

«پرشیا» بود که شاه قصد انجام آن را داشت. ایده او این بود که شمال و جنوب کشورش را با خط آهنی مستقیم به یکدیگر وصل کند. احداث بخش شمالی از تهران تا دریای خزر، به یک کنسرسیوم [شرکت] آلمانی واگذار شده بود و یک شرکت امریکایی به نام «اولن و کمپانی» ساخت بخش جنوبی را از تهران تا خلیج فارس برعهده داشت. این دو گروه با یکدیگر همکاری می کردند تا زمانی که، به سبب وقوع حوادث ناخوشایند متعدد، امریکایی ها برکنار شدند و آلمانی ها کار را تمام کردند. اما تا زمانی که من در «پرشیا» بودم، ساخت بخش واگذار شده به امریکا دغدغه اصلی ما بود.

چارلز سی. هارت<sup>۲</sup> در آن زمان سفیر بود. آن زمان، درباره او چه فکری می کردید؟ چارلی هارت، دیپلماتی راحت و رُک بود که به آداب رسمی اهمیتی نمی داد؛ خبرنگار سابق از ایالت اورگن. قطعاً به دلایل سیاسی اعزام شده بود اما در عین حال از توانمندترین افرادی بود که در دوران فعالیت های سیاسی خود دیدم. هیچ آموزشی در زمینه خدمات خارجی ندیده بود. پیش از آنکه به تهران بیاید، سفیر امریکا در آلبانی بود، اما هیچ تجربه دیگری در دیپلماسی نداشت. مردی دقیق، صادق، و صریح بود؛ هیچ انتقادی علیه امریکا را تحمل نمی کرد و همواره از امریکا و ارزش های آن حمایت می کرد. بسیار شوخ طبع بود. گاهی این شوخ طبعی در گزارش های رسمی او هم دیده می شد، تا حدی که این گزارش ها را به وزیر خارجه می دادند تا در میان خواندن دیگر گزارش های منطقه، تفریحی نیز کرده باشد. مردی بود که نمی شد احمق فرضش کرد؛ می توانست بطن ماجرا را ببیند. سرسخت و در عین حال احساساتی بود. من به او، به ویژه در جایگاه فرستاده ای سیاسی، رتبه ای بالا می دهم.

1. Ulen and Company

2. Charles C. Hart

در «پرشیا» سفارت داشتیم یا نمایندگی؟

نمایندگی. در آن دوران، تعداد اندکی سفارت وجود داشت و بیشتر نمایندگی بود.

نظرتان درباره این نمایندگی چه بود؟

نمایندگی به خوبی اداره می‌شد؛ نمایندگی کوچکی بود در کشوری ابتدایی؛ جایی بود با شرایط کاری نه‌چندان خوشایند. قطعاً، هیچ‌خانمی به این نمایندگی اعزام نمی‌شد. کارمندان یا ایرانی بودند، یا آشوری و یا ارمنی. همه آن‌ها هم کاملاً به امریکا وفادار بودند.

در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ش درباره نقش امریکا در خاورمیانه چه دیدگاهی داشتید؟  
زمانی که به ایران اعزام شدم، بیشتر دوستانم دلشان به حال سوخت. گفتند: «چه ناراحت‌کننده است که مجبوری به گوشه‌ای از دنیا بروی که هیچ‌گاه هیچ اتفاقی در آن نمی‌افتد.» این گفته تا حدودی صحت داشت؛ منافع امریکا در این بخش از جهان، در آن زمان خاص، اهمیت چندانی نداشت. ما بیشتر ناظر و گزارش‌دهنده بودیم تا اینکه در صحنه شرکت داشته باشیم.

زمانی که در تهران مستقر شدید، شروع رکود اقتصادی شدید در امریکا<sup>۱</sup> بود. می‌توانید بگویید از نظر شما این مسئله چه تأثیری بر خدمات خارجی داشت؟  
خب، در آغاز تأثیرات رکود در نمایندگی و کنسولگری تهران چندان محسوس نبود. بعدها در واشنگتن، یک ماه مرخصی اجباری بدون حقوق به من دادند و اقتصاد شد اسم شب. [هیچ‌کسی حرف آن را نمی‌زد]. من بخشی طولانی از دوران رکود اقتصادی را خارج از کشور بودم.

۱. رکود شدید اقتصادی در امریکا در ماه اوت سال ۱۹۲۹ آغاز شد. - م.

در سال ۱۳۱۱/۱۹۳۱ش برای مأموریتی در وزارت امور خارجه به واشنگتن بازگشتید. وظایف شما در آن زمان چه بود؟

برای دوره‌ای چهارساله در میز ایران در وزارت امور خارجه مشغول به کار شدم. افغانستان، ترکیه، و عراق کشورهای دیگری بودند که مسئولیت آن‌ها را برعهده داشتم. در این سطح، که پایین‌ترین سطح بود، به روابط با این کشورها رسیدگی می‌کردم.

در آن زمان، تغییر دولت از هوور<sup>۱</sup> را داشتیم و فرانکلین روزولت<sup>۲</sup> رئیس‌جمهور امریکا شده بود. به‌عنوان یک نیروی جوان در خدمات خارجی چه برداشتی از این اتفاق داشتید؟

روی شخص من تأثیر خاصی نگذاشت، به این دلیل که به‌عنوان یک مأمور در خدمات خارجی مسئولیت و تعهدم به امریکا فارغ از اسم رئیس‌جمهور یا حزب سیاسی حاکم وقت بود و به دولت بی‌طرفانه خدمت می‌کردم؛ از این رو، تغییر دولت روی شخص من تأثیر خاصی نگذاشت.

فکر می‌کردید روزولت در مقایسه با رئیس‌جمهور قبلی به نقش امریکا در جهان دیدگاه متفاوتی دارد؟

روزولت دربارهٔ روابط امریکا با دیگر کشورهای جهان نظرات خاص خود را داشت؛ چندان از وزارت امور خارجه و خدمات خارجی استفاده نمی‌کرد، اما در مقایسه با رئیس‌جمهور قبلی، دیدگاهش دربارهٔ امور خارجی جهان‌شمول‌تر بود.

۱. هربرت هوور (Herbert Hoover) سی‌ویکمین رئیس‌جمهور امریکا در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ بود. م.

۲. فرانکلین روزولت (Franklin D. Roosevelt) در سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ ریاست‌جمهوری

امریکا را برعهده داشت. - م.